



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی - گرایش خانواده درمانی

مقایسه تمایز یافتگی و خودپنداره در زنان مطلقه و غیرمطلقه دارای تجربه خسونت های خانگی

نگارش

فاطمه شیخ

استاد راهنما

دکتر علی اکبر سلیمانی

استاد مشاور

دکتر آناهیتا خدابخشی کولایی

فرم ز

بسمه تعالی






صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر(عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه شیخ تحت عنوان: "مقایسه تمایز یافتگی و خودپنداره در زنان مطلقه و غیرمطلقه دارای خشونت‌های خانگی" در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۹ با حضور هیأت داوران در دانشگاه علم و فرهنگ برگزار گردید. به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح ذیل است.

مردود

دفاع مجدد

قبول با درجه (عالی) ۲۱۸۹۰
 همدردی و همدلی

امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استاد	جناب آقای دکتر علی اکبر سلیمانی	۱- استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی اکبر سلیمانی
	استاد	سرکارخانم دکتر آناهیتا خدابخش کولایی	۲- استاد مشاور: سرکارخانم دکتر آناهیتا خدابخش کولایی
	استاد	جناب آقای دکتر رسنول روشن	۳- استاد داور: جناب آقای دکتر رسنول روشن
	استاد	جناب آقای دکتر علیرضا مهدویان	۴- استاد داور: جناب آقای دکتر علیرضا مهدویان
	استاد	جناب آقای دکتر علیرضا مهدویان	۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای دکتر علیرضا مهدویان
اداره کل تحصیلات تکمیلی			

ماده ۲۰ آیین نامه آموزشی - ارزشیابی پایان نامه	
الف) نمره از ۱۹ تا ۲۰	عالی
نمره از ۱۸ تا ۱۸/۹۹	بسیار خوب
نمره از ۱۶ تا ۱۷/۹۹	خوب
نمره از ۱۴ تا ۱۵/۹۹	قابل قبول
ب) نمره کمتر از ۱۴	غیر قابل قبول

ضروری است که یک نسخه تکمیل شده این فرم مطابق شیوه نامه تدوین پایان نامه ها در ابتدای پایان نامه الصاق گردد.

در مقابل پدر و مادرم تعظیم می‌کنم که با تمام ناتوانی‌ها

و خستگی‌های انباشته از روزگاران سرد،

قلبم را با عشق خود گرم نمودند

و با معجزه ایمان درونم را نورافشانی کردند.

این پایان نامه را تقدیم می‌کنم به خودم

به امید روزی که درک کنم

معنای واقعی روانشناسی را و عمق مسوولیت را

که آخرین امید یک زندگی بودن یعنی چه

و بتوانم راهنمای شایسته‌ای برای انسانهای دردمند باشم

بدون طمع به سکه‌ها و داشته‌هایشان

و با اتکا به خداوند و با روحی آزاد و دانشی گسترده

و با پاهایی استوار و قلبی سرشار از امید

قدم بردارم در راهی که بیشترین تاثیر آن حاصل مبارزه‌ای درونی و عظیم است

تا شاید بتوانم به اندازه قطره‌ای دل انسانی را بلرزانم

و دستش را بگیرم

و به ساحل آگاهی و آرامش برسانم

از خواهرم اکرم و برادرم مهدی سپاسگزارم که اگر نبود محبتشان، بارها از ادامه راه بازمی ماندم.

از جناب دکتر علی اکبر سلیمانی و سرکار خانم دکتر آناهیتا خدابخشی کولایی

که با راهنمایی‌های گرانبقدرشان مرا یاری نمودند بی‌نهایت سپاسگزارم.

چکیده

نتایج پژوهش‌های بسیاری حاکی از آن است که در بستر خشونت‌های خانگی، صدمات روانی و جسمی قابل توجهی به زنان و کودکان وارد می‌آید. از ویژگی‌های فردی تاثیرگذار در کاهش موثر خشونت و آمار طلاق، می‌توان به نقش تمایزیافتگی و خودپنداره زنان اشاره نمود.

هدف: در این پژوهش میزان تمایزیافتگی و خودپنداره در زنان مطلقه و غیرمطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی مورد مقایسه قرار گرفت.

روش: به این منظور تعداد 80 نفر از زنان مطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و با 80 نفر از زنان غیر مطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی در سن و تحصیلات هم‌تاسازی شدند و به سوالات پرسشنامه تمایزیافتگی اسکورون و خودپنداره راجرز پاسخ دادند. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون t استیودنت، رگرسیون گام به گام و همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق رابطه معناداری بین متغیرهای تمایزیافتگی و خودپنداره در زنان مطلقه و غیرمطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی نشان دادند. تمایزیافتگی گروه زنان مطلقه بالاتر از گروه زنان غیرمطلقه است. گروه زنان مطلقه از خودپنداره مثبت‌تری نسبت به گروه زنان غیرمطلقه برخوردارند. بین تمایزیافتگی و خودپنداره در زنان مطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی، رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). بین تمایزیافتگی و خودپنداره در زنان غیرمطلقه دارای تجربه خشونت‌های خانگی نیز رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: تمایزیافتگی و خودپنداره نقش مهمی در افزایش روزافزون آمار طلاق دارند. این نتایج ضرورت در نظرگرفتن آموزش‌های پیش از ازدواج در زمینه‌های مهارت در روابط بین‌فردی، آموزش خودمتمایزسازی و همین‌طور شناسایی افراد پرخاشگر و آموزش مهارت‌های کنترل و مدیریت خشم به آنها را نشان می‌دهد.

کلیدواژه: خشونت خانگی، تمایزیافتگی، خودپنداره، طلاق.

فصل اول

کلیات پژوهش

فصل دوم

ادبیات پژوهش

فصل سوم

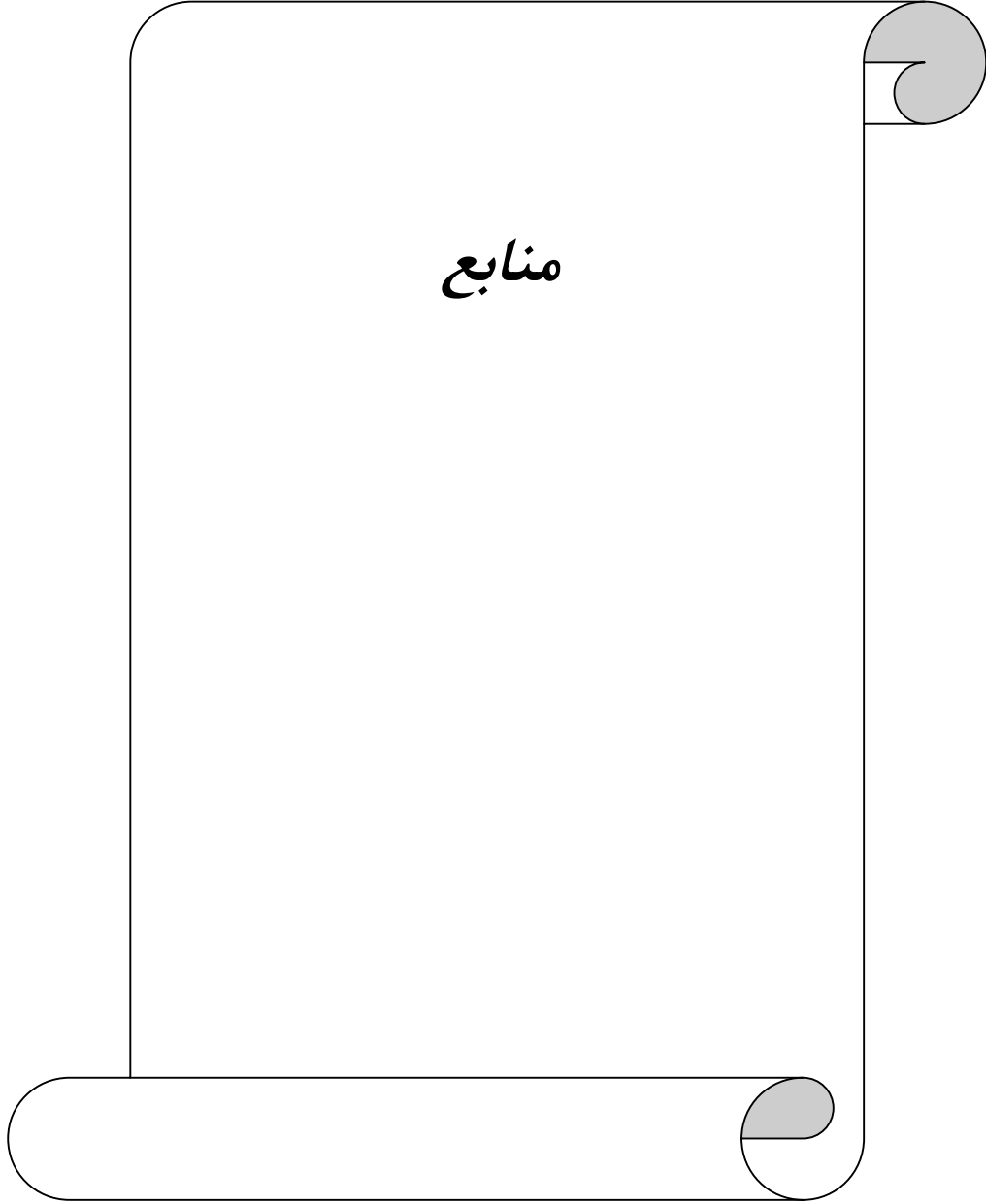
روش شناسی پژوهش

فصل چهارم

یافته های پژوهش

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری



پیوست‌ها

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول	
1-1 مقدمه.....	1
2-1 بیان مساله.....	2
3-1 ضرورت پژوهش.....	6
4-1 اهداف پژوهش.....	7
5-1 فرضیه های پژوهش.....	7
6-1 متغیرهای پژوهش.....	8
6-1-1-1-1 تعریف مفهومی متغیرهای پژوهش.....	8
6-1-2-2-2 تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش.....	9
فصل دوم	
1-2 طلاق.....	10
1-1-2 ابعاد طلاق.....	10
2-1-2 ابعاد دیگر طلاق.....	11
3-1-2 عوامل موثر در طلاق.....	12
2-2 تعاریفی از خشونت.....	14
1-2-2-1-1 تعریف خشونت علیه زنان و انواع آن.....	15
2-2-2-2-2 تقسیم بندی دیگری از خشونت علیه زنان.....	18
3-2-2-3-2 علل خشونت علیه زنان.....	19
4-2-2-4-2 علل مخفی ماندن خشونت علیه زنان.....	22
5-2-2-5-2 پیامد و تبعات خشونت علیه زنان.....	23
6-2-2-6-2 شاخص های ارزیابی خشونت خانگی.....	25
7-2-2-7-2 اهداف اعمال خشونت.....	25
8-2-2-8-2 الگوهای تعاملی میان زوجین.....	25
9-2-2-9-2 علل مساعد بودن بستر خانواده برای بروز خشونت.....	28
10-2-2-10-2 علل تحمل روابط خشونت آمیز.....	30
3-2 مبانی نظری خشونت خانگی.....	38
1-3-2 دیدگاه روان تحلیلی.....	39
2-3-2 نظریه خشونت ذاتی.....	40
3-3-2 نظریه محرومیت - تهاجم.....	40
4-3-2 نظریه نیازهای انسانی.....	41
5-3-2 ابتلا به بیماری های روانی.....	41
6-3-2 تئوری وابستگی.....	42
7-3-2 خشونت به عنوان نتیجه اسنادهای منفی.....	42

43.....	8-3-2 نظریه درماندگی آموخته شده.....
43.....	9-3-2 دیدگاه رفتارگرایانه.....
44.....	10-3-2 نظریه یادگیری اجتماعی.....
45.....	11-3-2 تئوری گردش خشونت.....
45.....	12-3-2 نظریه نظارت اجتماعی.....
47.....	13-3-2 نظریه فرهنگی.....
48.....	14-3-2 نظریه مبادله.....
49.....	15-3-2 نظریه منابع.....
50.....	16-3-2 نظریه کارکردگرایی.....
51.....	4-2 طرح ملی "بررسی خشونت خانگی علیه زنان در 28 استان"
58.....	1-4-2 پیشینه خشونت خانگی علیه زنان در ایران.....
60.....	2-4-2 پیشینه خشونت خانگی علیه زنان در کشورهای دیگر.....
68.....	5-2 تمایز یافتگی.....
73.....	1-5-2 خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی.....
75.....	2-5-2 پیشینه تمایز یافتگی.....
78.....	6-2 خودپنداره.....
80.....	1-6-2 اجزای خودپنداره.....
81.....	2-6-2 ویژگی‌های خودپنداره.....
82.....	3-6-2 نظریات گوناگون در مورد نحوه تشکیل خودپنداره.....
84.....	4-6-2 منابع خودپنداره و عزت نفس.....
85.....	5-6-2 چگونگی رشد خودپنداره و عزت نفس.....
86.....	6-6-2 دلایل عمده ایجاد خودپنداره و عزت نفس.....
87.....	7-6-2 تفاوت‌های فرهنگی در خودپنداره.....
87.....	8-6-2 تفاوت‌های جنسیتی در خودپنداره.....
88.....	7-2 جمع بندی.....
فصل سوم	
89.....	1-3 روش پژوهش.....
89.....	2-3 جامعه آماری.....
89.....	3-3 نمونه و روش نمونه‌گیری.....
90.....	1-3-3 ملاک‌های ورود به پژوهش.....
90.....	2-3-3 ملاک‌های خروج از پژوهش.....
90.....	4-3 ابزارهای پژوهشی.....
90.....	1-4-3 پرسشنامه جمعیت شناختی.....
91.....	2-4-3 پرسشنامه تمایز یافتگی.....
92.....	3-4-3 پرسشنامه خودپنداره راجرز.....
93.....	5-3 روش اجرا.....
93.....	6-3 روش‌های آماری.....

94.....	7-3 ملاحظات اخلاقی.....
	فصل چهارم
94.....	1-4 یافته‌های توصیفی.....
100.....	2-4 یافته‌های استنباطی.....
	فصل پنجم
108.....	1-5 بحث و نتیجه‌گیری یافته‌های پژوهشی.....
108.....	1-1-5 فرضیه اول.....
111.....	2-1-5 فرضیه دوم.....
113.....	3-1-5 فرضیه سوم.....
115.....	4-1-5 فرضیه چهارم.....
116.....	5-1-5 سوال پژوهشی.....
116.....	2-5 پیشنهادها.....
116.....	1-2-5 پیشنهادهای کاربردی.....
116.....	2-2-5 پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده.....
117.....	3-5 محدودیت‌ها.....
117.....	4-5 جمع‌بندی.....
119.....	منابع.....

فهرست جداول

- جدول (1-4) شاخص های توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) برای متغیرهای سطح تحصیلات و مدت ازدواج.....94
- جدول (2-4) شاخص های توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی) برای متغیرهای سن، تعداد فرزند و وضعیت اشتغال.....96
- جدول (3-4) مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای اصلی پژوهش99
- جدول (4-4)آزمون Z کالموگروف اسمیرنف جهت آزمون نرمال بودن نمونه100
- جدول (5-4) آزمون لوین برای بررسی مفروضه همگنی واریانس دو گروه مطلقه و غیرمطلقه101
- جدول (6-4) نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه مطلقه و غیرمطلقه102
- جدول (7-4) ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش103
- جدول (8-4) خلاصه مدل پیش بینی خودپنداره براساس خرده‌متغیرهای تمایز یافتگی ۱۰۴
- جدول (9-4) ضرایب به دست آمده مربوط به متغیرهای پیش بین ۱۰۵
- جدول (10-4)ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش در گروه مطلقه ۱۰۶
- جدول (11-4) ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش در گروه غیرمطلقه106

فهرست نمودارها (اشکال)

- شکل (1-4) فراوانی سطوح مختلف تحصیلی95
- شکل (2-4) فراوانی سطوح مدت ازدواج.....95
- شکل (3-4) فراوانی سطوح مختلف سنی/تعداد فرزند/شغل.....97
- شکل (4-4) مقایسه میانگین گروه مطلقه و غیرمطلقه در متغیرهای اصلی.....103

1-1 مقدمه

همه جوامع انسانی خواهان امنیت و عدالت اجتماعی هستند و برای رسیدن به این مطلوب از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند. بدون تردید عامل امنیت و نبود خشونت به روند توسعه و رشد همه قشرها و بخش‌های جامعه کمک می‌کند. نخستین حق بشر، حفظ آرامش و آسودگی، ثبات و امنیت در همه ابعاد زندگی است. متأسفانه خشونت در سطوح مختلف فرهنگی رخ می‌دهد و به طبقه خاصی اختصاص ندارد. بر اساس یافته‌های همه‌گیرشناسی 21 تا 34 درصد کل زنان در سراسر دنیا توسط همسرانشان مورد ضرب و جرح و خشونت فیزیکی واقع می‌شوند که البته آمار واقعی بسیار بیشتر از این مقدار است. به دیگر گونه‌های خشونت کمتر توجه می‌شود و بسیاری از مواقع زنان به دلایل مختلف حاضر به طرح مشکل خود نیستند (کازلو¹ و همکاران، 2008).

یافته‌های تحقیق ملی "بررسی خشونت خانگی مراکز 28 استان کشور" حاکی از آن است که یک سال اول ازدواج، دوران تنگنای مالی، پس از تولد فرزندان، میانسالی و دوران بارداری پرخشونت‌ترین دوره‌های زندگی زنان است (دفتر مشارکت زنان ریاست جمهوری، 1383).

امروزه کارشناسان حقوقی و مدافعان حقوق انسانی زنان در بسیاری از کشورها خشونت خانگی را یکی از جرم‌هایی می‌دانند که بیشتر از همه روی می‌دهد اما کمتر گزارش می‌شود (کدیور، 1388).

از طرفی عوامل بسیار دیگری نیز وجود دارند که در تقویت خشونت یا پیشگیری از آن نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ از جمله این موارد خصوصیات زنانی است که دارای تجربه خشونت‌های خانگی اند؛ مانند تمایز یافتگی و خودپنداره.

¹ Kaslow

ارلینسکی¹ (2003) معتقد است در خانواده‌هایی که تمایز یافتگی صورت نمی‌گیرد، هم آمیختگی عاطفی اتفاق می‌افتد که به تبع آن با افزایش اضطراب و استرس و فشارهای روانی، تعارضات زناشویی و درگیری‌های فیزیکی بیشتری رخ می‌دهد (شکیبایی، 1387).

خودپنداره یکی از مفاهیم اساسی در روانشناسی شخصیت، بالینی، تعلیم و تربیت است (واتکینز²، و ترافیمو³، 2008). پژوهش‌ها آشکار ساخته‌اند که زنانی که از خودپنداره مثبتی برخوردارند، توانایی مقابله با خشونت‌های بیشتری را دارند و خود را کمتر در معرض آسیب قرار می‌دهند و یا در صورت آسیب از حقوق خود دفاع می‌کنند. خودپنداره، به معنای برداشت از خویشتن است و به دو صورت مثبت و منفی است. افرادی که خودپنداره مثبتی دارند، در روابط اجتماعی و خانوادگی خود نیز عاقلانه‌تر عمل می‌کنند و کمتر دستخوش هیجانات به ویژه هیجانات منفی می‌شوند (جوادی، 1390).

در این پژوهش کوشیده شده است تا با بررسی مولفه‌های اساسی روانشناختی تمایز یافتگی و خودپنداره، نقش این دو در پیشگیری از خشونت‌های خانگی مورد ارزیابی قرار گیرد.

2-1 بیان مسأله

طلاق، این پدیده روانی نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه بر فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها نیز اثر می‌گذارد (شستی، 1386). با توجه به آمارهای مختلف کشورها، بین 10 تا 30 درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد که متأسفانه این واقعه غم‌انگیز رو به افزایش است (میلانی فر، 1389). تحقیقات نشان داده است مشکلات زناشویی، عامل مهمی در 50 درصد از پذیرش شدگان بیمارستانهای روانی است. مردان طلاق گرفته در معرض خطر روز افزون خودکشی، پذیرش در بیمارستانهای روانی، آسیب‌پذیری در مقابل بیماری‌های فیزیکی و اقدام به خشونت هستند و زنان طلاق، در معرض خطر روز افزون افسردگی و مشکلات پزشکی مختلف هستند (باقریان نژاد اصفهانی، 1380).

در یازده ماهه سال 1389 تعداد 124 هزار و 741 واقعه طلاق به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل 8.8 درصد افزایش داشته است. همچنین در یازده ماهه سال جاری بیشترین طلاق ثبت

¹ Orłinski

² Watkins, D.

³ Trafimova, I.

شده مردان، در گروه سنی 29 - 25 ساله با رقم 34 هزار و 815 و زنان، در گروه سنی 29 - 25 ساله با رقم 31 هزار و 145 واقعه بوده است. اینکه در سال‌های اخیر نسبت طلاق به ازدواج می‌رود تا به مرز 15 درصد هم برسد و در شهرهای بزرگ به 25 درصد هم نزدیک شده است، آنقدر مهم و حیاتی هست که از دید جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی هم بدان توجه کرد (سازمان ثبت احوال کشور، 1389).

در میان انواع خشونت‌ها اعم از خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، خشونت خانگی یک آسیب جدی اجتماعی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری همچنان در جوامع خودنمایی می‌کند. خشونت خانگی، خشونتی است که در محیطی خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی، به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ و بیشترین میزان آن علیه زنان و کودکان اعمال می‌شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد احساس خودکم‌بینی و حقارت برآمده از خشونت در زنان، به افسردگی شدید، تشویش، ترس و هراس، مشکلات روانی و بعضاً به خودکشی آنان می‌انجامد. همسرآزاری نه تنها تندرستی، سلامت روحی و تعادل عاطفی- روانی زن و شوهر را به خطر می‌اندازد بلکه بر فرزندان نیز تاثیر سوء دارد. کودکانی که در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که والدین آنها درگیر سوء رفتار بوده‌اند، در بزرگسالی هنگامی که با فرزندان خود خشونت به خرج می‌دهند، از همان الگوی پرخاشگرانه که والدین آنها به‌کار می‌بردند، استفاده می‌کنند. بنابراین خشونت علیه زنان تمایل به تداوم از نسلی به نسل دیگر دارد. برای مثال، پسوانی که شاهد مضروب شدن مادران توسط والدینشان بوده‌اند، در دوران بزرگسالی برای حل اختلاف‌های خود بیشتر از سایر پسران به خشونت روی می‌آورند. همچنین، دخترانی که شاهد چنین خشونت‌هایی علیه مادرانشان بوده‌اند نسبت به سایر دخترها، احتمال بیشتری دارد که در معرض سوء استفاده‌ی همسرانشان قرار گیرند (لارستانی، 1385).

با وجود پیامدهای نامطلوب خشونت علیه زنان، هنوز این پدیده در اکثر کشورها از جمله کشور ما به عنوان یک معضل شناخته نمی‌شود و نه تنها تعریف عملیاتی از سوء رفتار یا خشونت علیه زنان وجود ندارد- که این امر غفلت و پنهانکاری از این پدیده مهم را افزایش می‌دهد- بلکه گاهی خشونت علیه زنان به عنوان رفتاری هماهنگ با شرایط فرهنگی، امری پسندیده و شایسته تلقی می‌شود. طبیعی است در جامعه